

روشهای پیشگیری از اعتیاد در محیط های آموزشی

محسن توده رنجبر^۱، فاطمه عراقی^۲

^۱ کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی.

نام نویسنده مسئول:

محسن توده رنجبر

چکیده

سلامت و شادابی نوجوانان و جوانان یک جامعه یکی از شروط لازم جهت دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و بلعکس فساد و اعتیاد نوجوانان به مواد مخدر زمینه اضمحلال و تباهی جامعه را فراهم می سازد که در اینصورت اهداف رشد و توسعه در عرصه های مختلف جامعه مختل می شود. بنابراین ضرورت به مقوله اعتیاد نوجوانان و جوانان به مواد مخدر و گسترش و شیوع آن در جامعه به عنوان مساله و آسیب اجتماعی مشهود است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر خودباوری در دانش آموزان و نقش راهنمایی و مشاوره و فرهنگ سازی و مهارت آموزی در پیشگیری از اعتیاد و همچنین تأثیر فعالیتهای تربیتی (ورزش) در پیشگیری از اعتیاد در مدارس مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن بود که در یک دانش آموز خودباور، هویت به معنای واقعی شکل گرفته و بسیاری از استعدادها به منصفه ظهور رسیده است. لذا کمتر در دام انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد، گرفتار می گردد. جوانان برای اینکه بتوانند وارد کارگاه حیات اجتماعی شوند و درگرداندگی چرخ جامعه موفق باشند ضروری است اطلاعات و مهارتهای لازم را در این زمینه بدست آورند. آنان را باید ورزشی داد تا بتوانند در زندگی اجتماعی موفق باشند. خانه، مدرسه و جامعه سه ضلع اصلی فرآیند آموزش و یادگیری را تشکیل می دهند. هماهنگی خانه، مدرسه و جامعه پیشگیری از اعتیاد را در دانش آموزان بهبود می بخشد. ورزش موجب طراوت روح و سلامت جسمی دانش آموزان می شود، مهارتهای جسمی آنان را افزایش داده و با پرکردن بخشی از اوقات فراغت، تمرکز فکری و جسمی آنها را از سایر امور، بخصوص انحرافی مانند اعتیاد دور می کند. و در نهایت دانش آموزان در مرحله ای از رشد شناختی و عاطفی قرار دارند که احساسات بر ادراک آنها غلبه دارد، ماجراجو، اهل ریسک و کنجکاو هستند. پس تا آنجا که ممکن است باید عملاً و بطور تجربی و ملموس، دانش آموزان را با عوارض اعتیاد آشنا کرد و آنان را راهنمایی و مشاوره نمود تا در دام اعتیاد اسیر نشوند.

واژگان کلیدی: پیشگیری، اعتیاد، محیط های آموزشی.

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر، به عنوان نابسامانی اجتماعی، پدیده‌ای است که بدان «بلای هستی سوز» نام نهاده اند؛ زیرا ویرانگری‌های حاصل از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی می‌گردد و سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. برای جلوگیری از این بلای خانمان سوز بایستی بیش از هر ابزار دیگری به اقدامات فرهنگی در خانه و مدرسه متوسل شد. از جمله این راهکارها، فعالیت‌هایی در زمینه‌ی افزایش آگاهی، ایجاد نگرش منفی نسبت به مواد مخدر، ایجاد تفکر انتقادی و پرورش قوه قضاوت جوانان و نوجوانان است. پزشکان می‌گویند: «پیشگیری همیشه بهتر از درمان است» این مسئله به خصوص در مورد اعتیاد اهمیت زیادی دارد. از این رو، کارشناسان مبارزه با مواد مخدر معتقدند مبارزه با اعتیاد را باید از مهدکودک و دبستان شروع کرد و تا دبیرستان و دانشگاه پیگیری نمود. در مبحث پیشگیری از اعتیاد، «خانواده» و «آموزش و پرورش»، به عنوان دو رکن مهم مورد نظر است و مربیان و والدین، نقش بسزایی در نجات نسل جوان از گرداب اعتیاد به عهده دارند. بهترین راه مبارزه با اعتیاد، «پیشگیری» است. و بهترین راه پیشگیری، «آگاه کردن» نسل جوان از خطرهای گرایش به مواد مخدر است [۱].

۱-۱. بیان مسأله

از جمله آسیب‌های اجتماعی که جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، اعتیاد به انواع مواد مخدر طبیعی و صنعتی است. دامنه آسیب ناشی از اعتیاد در نسل جوان و نوجوان چنان گسترده است که در صورت عدم همکاری مدارس در پیشگیری از آن، می‌تواند پایه‌های استقرار نظام جمهوری اسلامی را، در حد تهدیدات خارجی، تضعیف نماید. از جهت اقتصادی، عدم توفیق در پیشگیری از شیوع مواد مخدر در جامعه از طریق مدارس و انحراف ناشی از اعتیاد از یک سو نیازمند هزینه‌های مالی زیادی را برای درمان و مقابله است. و از سوی دیگر اعتیاد باعث افت تحصیلی شده به منزله از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌های خانواده و دولت در آموزش دانش‌آموزان و محروم شدن بخش‌های اقتصادی و تولیدی از مهارت‌ها و تخصص‌های جوانان در آتی است؛ از بعد فرهنگی-اجتماعی، شکست‌های تحصیلی، اعتیاد، بیکاری، نامطلوب بودن چهره جامعه از لحاظ وجود افراد معتاد و ... بر جامعه تحمیل می‌شود؛ از بعد امنیتی، اعتیاد انحرافی است که با خود انحرافات و کجرویهای زیاد مانند سرقت را به همراه دارد؛ از لحاظ سیاسی نیز پیشگیری نکردن از اعتیاد و در مدارس، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و فرهنگی کشور را دچار اختلال و مشکل می‌نماید [۲]. بدین ترتیب در این مقاله مشخص خواهد شد، روش‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی کدامند و چگونه بر پیشگیری از اعتیاد مؤثرند و راهکارهای عملی پیشگیری چیست؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

پی بردن به علل مصرف داروها و مواد به عنوان اولین قدم پیشگیری مطرح می‌شود از آنجا که اعتیاد دارویی و وابستگی به مواد مخدر موضوعی پیچیده و چند بعدی است، طبیعتاً فعالیتی فراگیر و گسترده در همه جوانب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، آموزشی و ... را طلب می‌کند. آنچه مسلم است علاج واقعه قبل از وقوع، بیش از هر راه حل دیگر با عقل سلیم جور در می‌آید. مطالعات جهانی نشان داده است که در پیشگیری اولیه، آموزش همه جانبه نقش قطعی و تعیین کننده دارد و سرمایه‌گذاری در این بخش نتایج بلند مدت و دیرپایی حاصل می‌کند [۳]. با توجه به مطلب ارائه شده و اهمیت مسأله پیشگیری از اعتیاد می‌توان به اهمیت و ضرورت این تحقیق پی برد ما برآنیم که بتوانیم به اهمیت و حساس بودن این مسأله گامی جهت رسیدن به جلوگیری، راهی جهت پیشگیری از اعتیاد برداریم.

۱-۳. اهداف پژوهش

هدف کلی: بررسی روش‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی

اهداف جزئی: بررسی تأثیر خودباوری دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

بررسی تأثیر راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

بررسی نقش فرهنگ سازی دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

بررسی تأثیر جلوگیری از افت تحصیلی و افزایش مهارت دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

بررسی نقش همکاری مدرسه، خانه و جامعه دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

بررسی تأثیر فعالیتهای تربیتی (ورزشی و سرگرمی) دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد در مدارس

۴-۱. روش تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی نظری است زیرا داده ها و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. و براساس ماهیت و روش از نوع توصیفی بوده زیرا به دنبال چگونه بودن موضوع و اینکه روش های پیشگیری از اعتیاد در محیط های آموزشی چیست، می باشد. و در مجموع روش تحقیق کیفی-تحلیلی می باشد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، روش کتابخانه ای است. ابزار گردآوری داده ها، با توجه به هدف از گردآوری اطلاعات و نوع آن، متن خوانی و استفاده از فیش است. که عین مطلب یا برداشت خود از مطلب یا به صورت نقل قول غیرمستقیم فیش برداری شده است. مینا و معیار در تجزیه و تحلیل در این تحقیق، استفاده از استدلال قیاسی و استقرائی، تشخیص تفاوت و تمایز و مقایسه، که همگی به کمک تفکر، تعقل، منطق و استدلال صورت می پذیرد، است.

۲. سن اعتیاد در نوجوانان

در هر گروه سنی احتمال اعتیاد وجود دارد، ولی اعتیاد به مواد مخدر و مواد روان گردان و توهم زا مثل ماری جوانا، هروئین و ال-اس-دی در بین نوجوانان بیشتر از سایر سنین، رایج است. در خانواده هایی که پدر و مادر و یا هر دو معتاد به مواد مخدر هستند، نوجوانان در سنین پایین تر و حتی در دوره کودکی به همان شیوه ای که والدین مصرف می کنند معتاد می شوند و بعد در سنین بالاتر، نوع اعتیاد خود را تغییر می دهند [۴].

سال های نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سالگی) را می توان دوران بحران بلوغ نامید از آسیب پذیرترین دوران زندگی به شمار می رود، زیرا نوجوانان در این دوران دچار بحران هویت، اختلال شخصیت و تعارضات درونی می شود که با پناه بردن به مواد مخدر می خواهد از این دوران به راحتی بگذرند. شاید یکی از دلایل اعتیاد نوجوانان در این سنین، کنجکاوای آنان باشد، نوجوانان طبعاً نسبت به دنیای رو به گسترش که در آن زندگی می کنند کنجکاوتر هستند و بیش از بزرگسالان احساس خطر می کنند. برخی از نوجوانان برای این که شجاعت و حس ماجراجویی خود را اثبات نمایند و نشان دهند که بچه نیستند مواد مخدر مصرف می کنند.

نوجوانان معمولاً با کشیدن سیگار اعتیاد را آغاز، و بعد به مرور زمان مواد مخدر و یا داروهای روان گردان را که در دسترس دارند مصرف می کنند. نوجوانانی که در سنین پایین معتاد می شوند از لحاظ خانوادگی، دارای خانواده هایی پر جمعیت و در مجله های فقیر نشین شهر که زمینه اعتیاد بیشتر فراهم می باشد ساکن هستند. از نظر مالی نیز خانواده در سطح در آمدی پایینی قرار دارد، لذا مجموعه این عوامل دست به دست هم داده و باعث اعتیاد در سنین پایین می گردد.

در سنین پایین نوجوانان هیچ گونه ادراک و فهم عقلانی از محیط خانواده، دوستان و حتی محله و اجتماع خود ندارند، بنابراین به محض برخورد با مواد مخدر و تشویق و ترغیب دوستان به پذیرش مواد مذکور واکنش مثبت نشان می دهد. در واقع او برای این که بتواند عضو گروهی که مورد نظر و علاقه اش هست بشود و یا اگر عضو هست همچنان به عضویت خود ادامه دهد به مواد مخدر روی می آورد و به دلیل عدم تشخیص مضرات آن زمینه اعتیاد در سنین پایین فراهم می گردد [۵].

۳. روشهای پیشگیری از اعتیاد در دانش آموزان

۳-۱. ایجاد خودباوری بالا در دانش آموزان

خودباوری: باور به استعدادها، توانایی ها و نیروهای نهفته فطری درونی است که با اتکاء به آن، می توان به اهداف مورد نظر در زندگی رسید و به آنها جامه عمل پوشاند. و مرحله عالی خودباوری، شکوفایی همه استعدادهای بالقوه فرد است [۶]. خودباوری از دو جزء تشکیل شده است: جزء اول، کارآمدی شخصی که عبارت است از اعتماد داشتن به توانایی هایمان برای اندیشیدن، یاد گرفتن، انتخاب کردن و اتخاذ تصمیم های مناسب و جزء دوم، عزت نفس یعنی اعتقاد به اینکه دستیابی به اهداف، موفقیت، دوستی، احترام، عشق و انجام موفقیت آمیز امور، در شأن ماست.

خودباوری، توان افزا، انرژی زا و انگیزه دهنده است و ما را ترغیب به موفقیت می کند و باعث می شود از موفقیت های خود احساس لذت و غرور کنیم. خودباوری بالا، در جستجوی چالش و انگیزش ناشی از اهداف ارزشمند است. رسیدن به چنین اهدافی، خودباوری را تقویت می کند [۷].

به اعتقاد جیمز مارسیا، هویت یک نوع سازمان درونی خودجوش و پویاست که از سائق ها، توانایی ها، باورها و تجارب گذشته فرد نشأت می گیرد. وی چهار نوع هویت را به شرح ذیل از هم متمایز کرده است: ۱- هویت کسب شده ۲- هویت پیش رس ۳- هویت خویشتن یاب ۴- ابهام هویت. اریکسون بر این مسأله تأکید می کند که طرد شدن از طرف دیگران یا اجتماع ممکن است باعث شود که نوجوانان نتواند در خود احساس هویت پیدا کند.

اکثر ما طوری تربیت شده ایم که دائم به آینده می اندیشیم و تمام برنامه ها و تلاش های خود را در جهت رسیدن به آن دنبال می کنیم. یکی از راه های تقویت احساسات مثبت و خوب (نسبت به خود) این است که به مهارت‌ها و توانایی های جوانان ارزش بگذارید. در بیشتر موارد جوامع ارزشی برای استعدادها و توانایی های جوانان قائل نیستید. تقویت اعتماد به نفس، باعث تغییر دنیای جوانان می شود [۸].

منافع جامعه و مملکت ایجاب می کند که کارهای حساس اداری، حقوقی، سیاسی، نظامی تا حدود زیادی بدست آنها سپرده شود و آنان با بهره گیری از نیروی عظیم خود به انجام آن شغل بپردازند. ولی این امر بشرط رعایت دو مسأله امکان پذیر است:

۱- شناخت توان و امکان و زمینه های بالقوه آنان؛

۲- ساختن و بعمل آوردن آنها بگونه ای که لیاقت انجام آن شغل را داشته باشند.

اراده نوجوان و جوان باید رشد و پرورش یابد طوری که بتواند خوب تصمیم بگیرد. از حالت دودلی و تردید خود را رها کند. متزلزل و سست نباشد. به هر بادی از جای نجنبند و با هر دستور توفقی، متوقف نگردد و البته این امر به عقل و خرد او هم مربوط می شود. در پرورش اراده ضروری است نخست او را از فشارهای درونی و بیرونی آزاد کنیم. جنبه های گوناگون و جبرآمیز زندگی که بی جهت بر اندیشه ها تحمیلند از میان برداشته شوند. و هم ضروری است در این راه از ترس و خوف بی حساب در امان باشد. عزمش راستین باشد و توبه را نشکند و هر بار که شکست هشدار و احتیاطی بیابد [۹].

پیشرفت سریع تکنولوژی و جنبه مادی زندگی، باعث چند نوع ناسازگاری بین انسان و تکنولوژی شده است: ۱- احساس بیگانگی یا بیگانگی از خود، بدین معنا که انسان با وجود زندگی در میان هموعان و نزدیکان خویش، باز خود را نسبت به آنها بیگانه می پندارد و از ارتباط و پیوستگی که در گذشته بین مردم برقرار بود، دیگر خبری نیست. زن و شوهر نسبت به هم و هر دو نسبت به فرزندان و بر عکس، همچون بیگانه رفتار می کنند و برای کشف نقایص و معایب همدیگر بیشتر می کوشند تا کشف محاسن. ۲- احساس نانسازی یا غیر انسانی، بدین معنا که در روابط فعلی بین افراد بشر به میزان بازدهی افراد مانند ماشین ها بیشتر توجه است تا به عنوان یک انسان مورد احترام. مثلاً فرزندان، پدر و مادری را بیشتر دوست دارند که بیشترین آزادی را در خرج کردن و کیفیت صرف اوقات فراغت به آنها بدهند و والدین، فرزندی را بیشتر دوست دارند که موافق میل آنان رفتار کند و بازده مالی خوب و سریعی داشته باشد. ۳- احساس بی هویتی یا احساس این که شخص هویت خود را از دست داده است و یک فرد بی نامی در گروه خود شده است. پیدایش این حالت نا مطلوب، اختلالات شخصیتی متعدد و متنوعی را سبب شده است چنانکه هر روز شاهد افزایش تعداد بزهکاران، معتادان و تبهکاران هستیم [۱۰].

۲-۳. راهنمایی و مشاوره دانش آموزان توسط مدرسه و کارکنان آن

مدرسه و کارکنان آن در ایفای وظیفه امر و نهی، ابتدا باید موارد معروف و منکر را شناخته و بر آنها آگاهی یابند، سپس معروف ها و منکرات را به دانش آموزان تعلیم و آموزش دهند، با مهربانی، دلسوزی بدون تحقیر و تکبر به وعظ و نصیحت آنان بپردازند، و در صورت اقدام و اصرار به فعل زشت و منکر و استهزاء پند و اندرز توسط دانش آموزان با گفتار تند سعی در بازداري نماید، و اگر هیچ یک از اقدامات قبل وافی به مقصود نبود، با تهدید لفظی و منطقی ترساندن و نوعی اتمام حجت این وظیفه را انجام دهد. مثلاً بگوید: اگر فلان عمل خلاف را انجام بدهی از ورودت به مدرسه جلوگیری میکنم یا به دیگر معلمان و مدیر و اولیائت خواهم گفت، و در نهایت همه اولیاء و کارکنان مدرسه دست به دست هم داده و با وحدت و همدلی، در مقابل دانش آموزان و مرتکبین منکرات بایستند [۱۱].

معلم باید با ایجاد صمیمیت، محیطی مشاوره ای، پیگیری مثبت با انگیزه های خدایی، اجتناب از طبقه بندی بی مورد در بین دانش آموزان و دوری نمودن از نفاق، سعی در امر به معروف و نهی از منکر نماید [۱۲].

مهمترین شغل انبیاء این است که آمده اند بشر را از انحرافات اخلاقی و عقیدتی نجات دهند و روح بشر را تقویت کرده و آنها را از محسوسات برگردانده و به خدای یگانه و بی نیاز راهنمایی کنند که ما این شغل امر به معروف و نهی از منکر می نامیم. در نتیجه طبق فرموده امام خمینی (ره) که «معلمی شغل انبیاست»، معلمان نیز دانش آموزان خود را از بدیها و زشتیها نهی و به کارهای خوب و رفتار شایسته امر می کنند. زیرا اگر اینها ترک شود بلاها دامنگیر اجتماع شده و بشر در منجلاب طبیعت غوطه ور خواهد شد [۱۳].

معلم یک عالم است، عالمی عالم، علمش را عملش تصدیق گر است و عملش را علمش قوام دهنده، وسعت دهنده، روشنی بخش. معلم اگر دانش رایج را موضوع درس قرار می دهد، آن را آمیخته با جان انسانی، آمیخته با متن زندگی و آمیخته با اخلاق و در رابطه با عاقبت حیات و عاقبت ها بیان می دارد. آری، تربیت حواس قبل از همه تربیت ها، چشمی واسطه دریافت بصیرت ها، اعتبارها، تجربه های عقلی و ملاحظه آیات آفاقی و انفسی و اشراقها و آماده نگریستن (نه فقط دیدن)؛ گوش واسطه دریافت معناها، حقیقت ها، الهام ها و آماده گوش دادن (نه فقط شنیدن)؛ و به عاقبت دلی هر چه با ظرفیت تر و پذیرنده مکرمات های انسانی و اخلاقی. و از آنجا معتقدیم: عدم همپایی «فضل» با «علم» بس خطرناک است [۱۴].

قضیه معلم و شاگرد از لحاظ نقش پذیری شاگرد نسبت به اعمال معلم، همانند قضیه مهر و موم می باشد که در موم، تمام نقش ها و تصویرهایی که در مهر وجود دارد، منعکس می شود. استفاده از عوامل بازدارنده و بهره گیری از قانون «امر به معروف و نهی از منکر» در ارشاد مردم به حق و حقیقت، با شرایط متنوع تر و سنگین تر، ویژه علمای دانشمندان و معلمان است. اگر چه همه طبقات مردم در اصل وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» و اجرای آن، دارای وظیفه مشترکی هستند، ولی وظیفه معلمان و دانشمندان دینی در این اصل مهم و بنیادی اسلام، زیادتر و سنگین تر است و باید آنان نسبت به سایر طبقات مردم، احساس مسؤلیت فزونتری بنمایند. زیرا معلمان به منزله رؤسا و سرپرستانی هستند که اداء وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به آنها محول گشته است. علاوه بر این، سخن و راهنمایی های علمای دانشمندان، مؤثرتر و دلنشین تر از گفتار و ارشادهای سایر طبقات می باشد. از آنان، تکلیف بیشتر و سنگین تری را در این اصل به عهده دارند. اگر دانشمند و معلمی بخواهد که مردم، گوش شنوایی از او داشته باشند نباید به مطامع دنیوی و اموال مردم چشم بدوزد، زیرا اگر مردم بفهمند که راهبر آنها به آنان و اموالشان چشم طمع دوخته است نسبت به او و علم و دانش وی دلزده و بی اعتنا می گردند [۱۵].

در بخشی از وصیت نامه حضرت علی(ع) به فرزند امام حسن مجتبی(ع) در باره شیوه زندگی و آیین رهبری می فرماید: تا می توانی افراد جامعه را به نیکی و نیکوکاری ترغیب نمای تا این صف پسندیده خوی و ملکه تو گردد. همچنین آنان را که به کارهای زشت و ناستوده خو گرفته اند، به دست و زبان بر حذر دار و پیوسته در راه خدا با دشمنان دین و نفس اماره بستیز و در این رهگذر از سرزنش ملامت کنندگان نهراس.

پس همانگونه که حضرت علی(ع) به عنوان امام و رهبر اسلام امامان و مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر وصیت می کند، معلم نیز دانش آموزان خود را به این دو فریضه بزرگ، امر به معروف و نهی از منکر فرا می خواند [۱۶].

۳-۳. فرهنگ سازی

فرهنگ : نظامی سازمان یافته از رفتارها و یا شیوه عمومی زندگی گروه یا گروهایی از مردم است. عناصر فرهنگی از قبیل عادات، سنت ها، اعتقادات، هنجارها : (یک قاعده رفتاری است که مشخص می کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند) ، ارزش ها : (در حقیقت مفاهیمی جمعی هستند از آنچه که از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و مناسب و یا این که، بد، غیر مطلوب و نامناسب تلقی می شوند. ارزش های اجتماعی تعیین می کنند که برای مردم یک جامعه چه چیز مهم است و چه چیز از نظر اخلاقی درست است) و نقطه نظر مشترک انسان ها را با یکدیگر پیوند می دهد و هویت اجتماعی به وجود می آورد.

برخی از هنجارها از طریق مذهب، قوه مقننه، و یا دولت ها به وجود می آیند، و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی از عادات و سنت ها ناشی می شوند و در ردیف شیوه های سنتی و تکراری انجام امور روزمره ما قرار می گیرند [۱۷].

دیوید ریزمن سه گونه متفاوت فرهنگ تشخیص می دهد. نوع اول، فرهنگی است که افراد در آن دارای ابتکار عمل هستند و برای رسیدن به هدف های خاصی تلاش می کنند. در نوع دوم از فرهنگ، رفتار افراد جامعه متأثر از منابع بسیار گوناگونی است و آنان دارای قابلیت تطابق زیاد با دگرگونی در محیط هستند مانند جامعه های صنعتی و در سومین نوع از فرهنگ، تبعیت بی چون و چرا از آداب و رسوم و سنت ها حاکم است، سنت عامل اصلی نظارت اجتماعی (Social Control) محسوب می شود.

به نظر ارسطو « فرهنگ محصول انسان است؛ اگر مورد بازشناسی قرار گیرد، تنها آینه ای است که می تواند سیمای خود را برای انسان نشان دهد».

اشپنگلر عقیده دارد که حیات و پویایی جامعه به پویایی فرهنگ بستگی دارد. و مرگ جامعه مرگ فرهنگ آن جامعه است. فردیش تنبروک : هر آنچه انسان انجام می دهد و هر آنچه عمل او را به بار می آورد، به معنای وسیع آن، در قلمرو فرهنگ جای می گیرد. به نظر او اندیشه جوهر فرهنگ است، زیرا کلید تفسیر واقعیت را بدست می دهد.

یکی از کارکردهای مهم فرهنگ در جامعه ایجاد همبستگی است. این کارکرد خاص بقای جامعه را تضمین می کند. ضعف این کارکرد فرهنگ در جامعه نیز موجبات ناهمگرایی فرهنگی، یعنی تعارض در ارزشها، نگرشها و هنجارها را پدید می آورد. (کنت تامسون و دیگران، ۱۳۸۱)

از دیدگاه تیلور در پرتو فرهنگ است که «انسان زیستی» به «انسان اجتماعی» تبدیل می شود و با مردم پیرامون خود هم نوایی و هم گرایی می یابد و از مردم جامعه های دیگر تمیز داده می شود». در سنت های پیشین، فرهنگ از کار مایه می گرفت ولی اکنون فرهنگ از تئوری سرچشمه می گیرد، معنی این سخن همانا پیشی گرفتن مغزها از دست هاست و برتری دانش بر کار است.

دین به عنوان عنصر فرهنگ نقش مهمی در امنیت اجتماعی به عهده دارد: نماز حالتی است که به انسان نظم می دهد و موجب یاد خدا می شود یاد خدا نیز نسبت به ترک گناهان تنها به صورت یک زمینه است نه علت تامه یعنی در آنان زمینه روح طاعت و ترک گناه پدید آورده و اثر تربیتی و بازداشتن از گناه را داراست.

مطهری می گوید: تقوا به معنای انزوا و دوری از اجتماع نیست، بلکه حفظ صیانت نفس است که در عین حال که انسان در محیط لغزنده خود را از لغزش حفظ و نگهداری کند و باید در روح خود حالت و قوتی بوجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی می دهد. استاک معتقد است: افراد مذهبی به دلیل بالا بودن عزت نفس آنان بر احساس مسئولیت دست به خودکشی نمی زنند، در حالی که این ویژگی در افراد غیر مذهبی دیده نمی شود. گورسا و بالتر بعد از بررسی بیست تحقیق به این نتیجه رسیدند که بوسیله اعتقادات مذهبی می توان پیش بینی کرد در آینده چه کسی از مواد مخدر استفاده خواهد کرد. گروهی از پژوهشگران در تأیید نظریات گورساج و بالتر، با قاطعیت اظهار داشتند: افراد مذهبی از مواد مخدر استفاده نمی کنند.

لوچ و هوگز (۲۰۱۳) بعد از بررسی نظرات ۱۴۰۰۰ جوان به این نتیجه رسیدند: بیشترین افرادی که از مواد مخدر استفاده می کنند افراد غیر مذهبی اند و هر اندازه اعتقادات مذهبی فرد قوی تر باشد به همان اندازه احتمال استفاده از مواد مخدر در او کمتر است. گلور (۲۰۱۴) در تحقیقی نشان داده افرادی که از نظر مذهبی در سطح پائین تری هستند احساس بی هدفی و بیگانگی نسبت به اجتماع در بین آنها متداول تر است. بلاویچ (۲۰۱۵) در تحقیقی پیرامون نقش مذهب در کاهش مشاجرات روزانه و سازگاری نتیجه گرفت: روش مقابله مذهبی تأثیر بیشتری بر سازگاری دارد تا روش های مقابله غیر مذهبی. شلودرمن و هیون (۲۰۱۷) در تحقیقی نشان دادند: داشتن روحیه مذهبی، ارتباط قوی با ارزش های اجتماع خواهانه، نگرش خوب به مدرسه و رضایت خانوادگی را در پی داشت [۱۸].

۳-۴. جلوگیری از افت تحصیلی و افزایش مهارت دانش آموزان

افت تحصیلی متوجه عوامل زیراست:

• خود دانش آموز

سرخوردگی، گرایش به انحرافات اخلاقی، بیماری های روانی، از بین رفتن بخشی از انگیزه، آسیب هایی هستند که اکثریت دانش آموزان دارای افت تحصیلی دچار آن می شوند.

• خانواده دانش آموزان

تحقیر خانواده، از دست رفتن بخشی از سرمایه مادی و معنوی حاصل سالها تلاش، ناامیدی و یأس از آینده شغلی و تحصیلی فرزندان و... ثمره های افت برای خانواده ها می باشد.

• نظام تعلیم و تربیت

طبق گزارش وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۶) خسارات ناشی از افت تحصیلی دانش آموزان سالانه بالغ بر ۸۰۰۰ میلیارد ریال بوده، که متوجه نظام تعلیم و تربیت می گردد.

• جامعه

استفاده نکردن از فرصت های آموزشی، فاجعه ای بزرگ است که بر سرنوشت کشور در درازمدت تأثیر منفی خواهد گذاشت و جامعه را متحمل هزینه های گزافی خواهد کرد [۱۹].

جوانان برای اینکه بتوانند وارد کارگاه حیات اجتماعی شوند و درگرداندگی چرخ جامعه موفق باشند ضروری است اطلاعات و مهارت های لازم را در این زمینه بدست آورند. جوامع برای گرداننده شدن چرخ حیات نیاز به افرادی دارند که دست و اعضای ورزیده داشته باشند و با مهارت خود بتوانند کاری ارزنده انجام دهند. جوانان در انجام وظیفه فاقد مهارت و تجربه کافی هستند و از این بابت نمی توانند تحولی در زندگی پدید آورند که به نفع خود و اجتماعشان باشد. تفاوت دو فردی که در یک کارگاه کار می کنند و یکی از آنها بر محیط کار مسلط و دیگری دستخوش حاکمیت کارگاه است این است که یکی از آنها عضوی ورزیده و ماهر و آن دیگر ناماهر و نالایق است. آنان را باید ورزیدگی داد و دست و اعضای شان را ساخت و پرورد تا بتوانند در زندگی اجتماعی موفق باشند. در این راه توجه به نقش جنسی نوجوانان و جوانان ضروری است از آن بابت که زن و مرد برای دو گونه وظیفه آفریده شده اند و در دو جهت و جنبه متفاوت اجتماعی باید کار کنند [۹].

در یک طرح مطالعاتی با عنوان «مهارت های زندگی و کار جوانان» که در چند کشور اروپایی روی جوانان ۱۶ تا ۲۱ ساله انجام گرفته، آمده است: جوانان، تجربه شغلی را مهمترین عامل کسب مهارت هایی توصیف کردند که به اعتقاد آنها، برای موفقیت در عرصه های گوناگون زندگی کاملاً ضرورت دارد. مهمترین مهارت های زندگی از نظر جوانان عبارت بودند از: مهارت های ارتباطی و بین فردی؛ مهارت های فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ مهارت های حل مسئله؛ مهارت های فیزیکی و خلاق/ زیبا شناختی [۲۰].

به توانائی ها و استعداد نوجوانان و جوانان نمی توان دست یافت مگر آنکه در آنان از طریق آموزش و پرورش سرمایه گذاری شود. در حقیقت یکی از وظایف مؤسسات آموزشی، ارائه مکانیزمی است که استعدادهای بالقوه را کشف و آنرا به صورت بالفعل در آورد و مورد آموزش قرار دهد. جامعه ای که برای استخراج نفت و تکنولوژی استخراج، هزینه های گزافی انجام می دهد، بی شک بایستی برای کشف استعدادهای

پرورش آنها نیز به صورت مشابهی عمل نماید. ظهور نواخ و پیدایش دانشمندانی نظیر ادیسون، پاستور و انیشتین بخوبی هزینه های صرف شده را جبران می نماید [۲۱].

در شیوه آموزش و یادگیری آینده مدارانه، جوانان باید وارد عمل شوند و به عنوان یکی از منابع انسانی شرکت داشته باشند. البته باید در انتخاب تجرب کاری مفید و بدون بهره کشی و در عین حال امن، احتیاط به خرج داد. اما دانش آموزان احتیاج دارند در فعالیتهای مفید اجتماعی مشارکت کنند. فعالیتهایی نظیر تمیز کردن پارکهای عمومی، هرس کردن و پاکسازی علفزارهای پارک، مراقبت از محیط مدرسه و انجام کارهایی مشابه که باید آنها را انجام داد. این فعالیتهای باید در گروههای کوچک، در یک دوره زمان طولانی انجام پذیرد، همین طور باید با درک و همکاری متقابل از طرف جامعه باشد [۲۱]. فعالیتهایی که جوانان با آنها سروکار دارند با توجه به نظام اقتصادی قبیله آنها متفاوت است. ولی در تمام موارد جوانان از خود اشیاء از طریق مشاهده، تقلید و تمرین مداوم یاد می گیرند که چگونه آنها را بکار ببرند [۲۲].

شخصیت فرد، به خودی خود، بر اثر شکوفایی طبیعی قابلیت ها و استعدادها، رشد پیدا نمی کند، بلکه این امر مستلزم کنشهای متقابل، ورزیدگی در کاربرد زبان و درجاتی از تجربه های عاطفی است. این عناصر سه گانه، در جریان رشد جسمانی و اجتماعی، متقابلاً با یکدیگر ارتباط دارند. هر فرد، بر اثر ارتباط و کنش متقابل با دیگران، انگاره های مناسب رفتاری، حقوق، وظایف و الزامات کرداری را می آموزد و یاد می گیرد که چه اعمال و رفتارهایی مجاز یا ممنوع است. این امر، با یادگیری زمان، تسریع می شود. انسان در عین خردمندی، موجودی عاطفی است. از این رو، در جریان رشد، به تجربه های عاطفی نیز نیاز دارد. این سه عنصر پرورش اجتماعی، لازم و ملزوم یکدیگرند و در موقعیتهای زندگی، از یکدیگر قابل تفکیک نیستند [۲۳].

بسیار ضروری است که در کنار آموزش های سنتی و مرسوم، بطور جدی و کاملاً سیستماتیک آموزش مهارت های زندگی، نیز برای حل مسائل مختلف به دانش آموزان و دادن اعتماد به نفس را جزء برنامه های مدرسه منظور نماییم. در کوتاه مدت انتظار می رود که آموزش مهارت های زندگی به جوانان، موجب ایجاد نگرش مثبت و خلاق آنان به زندگی گشته، شجاعت روبرو شدن با حقیقت را یافته و از قدرت تحمل و مقاومتی شایسته برخوردار شوند. کارآمد و توانا گشته و با تفکر درست و در حد توان به گشودن گره های زندگی خود بپردازند. در برقراری روابط سالم میان خود، معلم و همکلاسی ها مبتکر باشند و در بلند مدت تغییرات معنی داری در رفتارها حاصل آید. در نهایت سه ویژگی در منش آنان نهادینه شود: خودآموزی (education self)، خود رهبری (guidance self)، خودباوری (concept self). زیرا والدین به این هدف فرزندان خود را به مدرسه می فرستند تا شرایط مناسب یک شهروند خوب را که مستلزم نیاز های زندگی فردی و اجتماعی آنان است، کسب کنند. (صاحبی، ۱۳۸۰)

از سه دهه پیش در جامعه ایران پذیرفته شدن در کنکور ورودی دانشگاهها به صورت یک معضل اجتماعی مطرح شده است لیکن بررسی ها درباره عامل آن و چگونگی رویارویی با مشکلات ناشی از آن معدود و عموماً سطحی و شتابزده بوده است. ورود به دانشگاه بسیار مشکل است اما گذران و اتمام دوره دانشگاه بسیار آسان است و هر کس بتواند وارد دانشگاه شود قادر خواهد بود که مدرک بگیرد. اما در شرایط مطلوب، عکس این امر باید باشد یعنی هر داوطلب باید بتواند به هر رشته که می خواهد وارد شود سپس در طول یکی دو سال اول، افراد شایسته به طور طبیعی برگزیده شوند. شکست در کنکور ضایعه ای وحشتناک برای جوان کنکوری و خانواده او به شمار می رود و مشکلات روانی و اجتماعی فراوانی برای آنان پدید می آورد که افسردگی شایعترین آنهاست. جوانی که در کنکور پذیرفته نشده است اعتماد به نفس خود را از دست می دهد و در نظر خانواده به صورت موجودی شکست خورده ترحم انگیز و مزاحم جلوه گر می شود. این جوانان دیگر بار سخت خود را در کنکور می آزمایند و شکست مجدد با افسردگی شدیدتری همراه است. افزون بر این، آمادگی برای کنکور و شکست در کنکور، هر دو به شکل فشارهای شدید روانی، می تواند بسیاری از بیماریهای نهفته روانی همچون اسکیزوفرنیا را آشکار کند.

پذیرفته نشدن در کنکور به معنی ناشایستگی فرد نیست، زیرا در درجه نخست، شرایط جاری پذیرش در دانشگاه ها نارسایی های فراوان دارد. دوم آنکه، نظر به تنوع استعدادهای انسانی بسیاری از آنان که قادر به ورود به دانشگاه نشده اند در صورت وجود امکانات اقتصادی و اجتماعی می توانند در دیگر زمینه های فنی و خدماتی و اجتماعی پیشرفت کنند و در امور مملکت مشارکت فعال و آفریننده داشته باشند. در چند سال اخیر با گروه قابل توجهی از پزشکان جوان روبرو بوده ایم که به علت افسردگی مراجعه کرده و در بررسی معلوم شده است که از جوانان با استعدادی بوده اند که نه بر حسب خواست و توانایی خویش بلکه به علت فشار پدر و مادر به تحصیل پزشکی روی آورده اند و اکنون که پزشک شده اند. بیش از هر وقت دیگر پی برده اند که نه به این حرفه علاقه و نه توان آن را دارند. چنین امری هم به معنی اتلاف سرمایه گذاری های کلان و هم به معنی مشکلات روانی و اجتماعی برای گروه چشمگیری از جوانان است [۲۴].

۳-۵. همکاری همه جانبه مدرسه، خانه و جامعه

اعتیاد ممکن است فرزند یا هر عزیز دیگر ما را هدف خود قرار دهد. برای قطع این ریشه ی فساد و تباهی، هر فرد به هر شکل ممکن، باید مساعدت نماید. مهمترین همکاری در این زمینه، در اختیار نهادن هر گونه اطلاع از مواد مخدر به مسئولین انتظامی است. این امر، در

زمره ی بزرگترین خدمت انسانی است و پاداشی عظیم را در پیشگاه خداوند در پی خواهد داشت. قاچاقچیان از این نکته غافلند که مواد مخدر، گلوله ی اسلحه نیست که فقط به طرف مقابل نشانه رود. این سلاح، جهت و هدف نمی شناسد و چه بسا خود قاچاقچی را در معرض خطر بیشتری قرار دهد. وقتی جامعه ای آلوده شد، این آلودگی به همه خانه ها راه می یابد و خانواده ی قاچاقچی از این قانون، جدا نیست.

۳-۶. فعالیت های تربیتی (ورزش، سرگرمی)

بازی برای طفل نقش حیاتی دارد، کودک آنچنان بدان علاقمند است که حتی پس از کارهای طولانی و خسته کننده به آن پناه می برد و خستگی خود را با خستگی های ناشی از آن رفع و جبران می کند. بازی موجبی برای پرورش روح و سببی برای سرور و انبساط خاطر کودکان است، در سایه آن صفات اخلاقی و اجتماعی فراوانی را می توان به او آموخت و نیز می توان روح همکاری، دوستی، صمیمیت، فرماندهی و انضباط را در او پدید آورد. در ضمن بازی می توان به کودک درس اخلاق داد، ضوابط و مقررات را به او تفهیم کرد، قواعد و راه و رسم زندگی را به او آموخت و از او عملاً خواست که رعایت حال جمع را کرده و اصول و ضوابط مورد قبول جامعه را پذیرا گردد. بازی در گروه باعث پرورش وجدان فردی است که در زندگی کودک نقش عمده ای بازی می کند، حدود آزادی او را مشخص می کند. مربی می تواند از این گونه فعالیت های طبیعی و خودانگیز طفل بهترین نتایج تربیتی را بدست آورد. در روش تربیت صحیح می بایست احتیاجات کودک را برحسب سن، ظرفیت و استعداد او در نظر گرفت، آداب و رسوم و روش های اجتماعی در بازی کودکان مؤثر است. هر کشور و ملتی نیز بر حسب آداب و سنن خود بازیها و فعالیت های مخصوص به خود دارد که باید مورد توجه مربیان قرار گیرد، بازی های ساده اولیه کودک مبنای فعالیت های اساسی و بعدی طفل به شمار می روند. در تربیت های قدیم، عموماً بازی را ضایع کننده وقت می دانستند و لذا میان کودک و بازی، فاصله زیاد وجود داشت. علت آن، این بود که قدما کودک را به منزله مردی بزرگ می پنداشتند و از او رفتار بزرگترها را توقع داشتند. لذا مشاهده فرار کودکان از مکتب خانه های قدیم، شگفت و عجیب نیست چرا که در آنجا مجالی برای جنبش و بازی نبود و اطفال تمایل به گریز از مکتب خانه داشتند. تحت تأثیر آثار مربیان بزرگ، اکنون بازی به عنوان یکی از عناصر اصلی آموزش و پرورش کودکان تلقی می شود و به اهرم نیرومند یادگیری در نزد کودکان در آمده است به حدی که هر جا که توانسته اند، آشنا کردن کودکان با خواندن و حساب یا درست نویسی را به صورت بازی در آورده اند. مشاهده می شود که کودکان به این کارها که در گذشته معمولاً نوعی بیگاری گرفتن محسوب می شد، عشق می ورزند و آن را با شوق و ذوق انجام می دهند. پیامبر اسلام پدران و مربیان را گوشزد می نماید که هرگاه در کودکان خود جنبش های فوق العاده و به اصطلاح شیطنت مشاهده کردند از او مأیوس و نومید نگردند. زیرا ممکن است این حالت یعنی شدت علاقه به بازی فوق العاده او در خردسالی منجر به اخلاق فاضله او به هنگام بزرگسالی شود. از جمله فواید بازی عبارتند از: شناخت کودک؛ آرامش و تسکین کودک؛ آموزش راه زندگی؛ اصلاح کودک؛ انس و الفت؛ شرکت بچه در بازی او را از حالت تفرّد خارج می سازد و روح همکاری، اشتراک مساعی و رفاقت را در او بوجود می آورد. (۲۵).

در میان گروه های سنی مختلف، جوانان نیاز بیشتری به ورزش و فعالیت بدنی دارند، تحرک و پویایی جوانان نشان از پراثری بودن آنان دارد و احساس ناشی از خصوصیات جسمانی نقش مهمی در تکامل شخصیت و عواطف آنها خواهد داشت. از طریق ورزش، جوانان می توانند خود را بشناسند و عواطف خویش را تلطیف نمایند که این تأثیر در عواطف به صورت بردباری در مقابل مشکلات، رعایت تقسیم کار، شهادت حل مسائل و همکاری تظاهر می نمایند. بدون شک یکی از برنامه های اساسی برای جوانان سامان دادن به ورزش و تربیت بدنی است. چرا که ورزش علاوه بر افزایش رشد جسمانی جوانان به کارایی بیشتر قوای ذهنی و بارور شدن شخصیت آنان نیز کمک خواهد کرد (۲۶). مک کاندیس، طی تحقیقات خود نشان داده است، جوانانی که در ورزش های گروهی و تیمی شرکت می کنند، تمایل بیشتری به شرکت در گروه های اجتماعی و انجام فعالیت های اجتماعی دارند و همین امر خود به تلطیف عواطف آنان کمک می کند. خصایصی مانند: سخاوت، بزرگواری، شجاعت، استواری و ثبات قدم، می تواند از طریق ورزش ترویج و گسترش یابد. تمرین نه تنها فرد را آماده فعالیت در زمین بازی می کند، بلکه اثرات آن قابل انتقال به جامعه نیز هست و در صورت لزوم می تواند در دفاع از کشور یا در خدمت به جامعه مؤثر واقع شود. آنچه که اهمیت دارد، بهبود وضعیت جسمانی جوانان و نوجوانان امروزی نسبت به گذشته است که اگر با برنامه ریزی های درست و منطقی به این سیر صعودی سرعت بخشیم، می توان امیدوار بود که در سالهای آتی جوانان ایرانی بسیار قوی تر و کارآمدتر از جوانان امروزی باشند. فرهنگ ورزش به ما می گوید که جوانان، شیوه های اخلاقی، ارزشی، انسانی و سایر ترازمندی ها و هنجارمندی های ورزش را چگونه و در کجا باید بیاموزند. آنچه که امروزه تحت عنوان بازی جوانمردانه در دستور کار سازمانهای بین المللی ورزش جهانی قرار گرفته است می بایست از متن همین فرهنگ ورزش بیرون بیاید. در ورزش کشور آموزه های فرهنگی- به دلیل فقدان ورزش مدارس- راه نیافته و هنوز هم وقتی صحبت از جوانمردی مطرح می شود، بلافاصله و بی تأمل نام پوریای ولی و تختی در افکار عمومی تداعی می گردد و این بدان معناست که ما نتوانسته ایم طی سه چهار دهه گذشته یک یا چند الگوی فرهنگی برای ورزشکارانمان تربیت کنیم.

یکی از نیازهای بشر، نیاز به تفریحات و استفاده از اوقات فراغت است. بویژه در عصر حاضر با توجه به پیچیدگی جوامع، مشغله کاری و فکری انسانها، استفاده از تفریحات و اوقات فراغت به یک نیاز مهم و ضروری در جهت کاستن از تنش ها و فشارهای جسمی و روانی افراد مطرح می باشد. ایجاد مراکز تفریحی از قبیل پارک ها، ورزشگاه ها، سینما و ... همه و همه در جهت پر کردن اوقات فراغت و لذت بردن از این اوقات بوده است [۲۷].

شیوه گذراندن اوقات فراغت دو نوع فردی و گروهی است که در شیوه فردی که دو بخش فعال و غیر فعال را شامل می شود، جوانان ایرانی بیشتر شیوه گذراندن اوقات فراغت به شیوه فردی غیر فعال همچون موبایل را انتخاب می کنند. بر اساس آمار سازمان ملی جوانان، میانگین ساعت فراغت جهانی ۵ ساعت (۲۲٪) و این رقم در ایران به دلیل فراوانی تعطیلات ۶ ساعت (۲۵٪) است. هم اکنون بیش از ۱۶ میلیون نفر از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند که باید برای اوقات فراغت آنها در تابستان برنامه ریزی شود که در این راستا اگر ۸ هفته و در هفته ۲ روز برای جوانان برنامه داشته باشیم برنامه فعال سهمیه فراغتی در ایران ۲۶۷ میلیون نفر در روز می شود. در مجموع حدود ۹ میلیون نفر در سال ۸۲ تحت پوشش برنامه های اوقات فراغت قرار گرفتند که از این تعداد ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر توسط دستگاه های دولتی و ۶۳۰ هزار نفر توسط دستگاه های غیر دولتی در این برنامه ها شرکت کردند. در این برنامه ها آموزش و پرورش با ۶۴/۲۱٪ وزارت ارشاد ۱۳/۱۶٪ و نهادهای گردشگری غیر دولتی با ۱۰٪ به ترتیب بیشترین سهم را در برنامه ریزی برای اوقات فراغت داشتند [۲۸].

بر اساس تحقیقات انجام شده اخیر در کشور، گرایش جوانان در بخش اوقات فراغت به ترتیب مربوط به برنامه های گردشگری، مشارکتهای اجتماعی، فعالیت های ورزشی، هنری، کتابخوانی، قرآنی، مهارت آموزی و آموزش زبان و رایانه است. بر اساس تحقیقات انجام شده موبایل با ۸۲ درصد، بیشترین سهم را در گذران اوقات فراغت جوانان داشته که روحیه انزواطلبی، خستگی و دغدغه ها از عوامل گرایش جوانان به گذران اوقات فراغت به شیوه فردی غیر فعال است [۲۹].

نتیجه گیری

- آگاهی دانش آموزان از توانایی هایشان، علاوه بر آنکه باعث می شود به ارزش وجودیشان پی برده و خود را فردی شایسته حس نمایند، سبب می شود تلاش نموده ظرفیتهای بالقوه خود را به مرحله فعل برسانند. دانش آموزانی که به توانمندی بالقوه و بالفعل خود پی برده، احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس آنها ایجاد شده قدر و منزلت خود را بیشتر می دانند و هیچگاه سرخورده، مأیوس و ناامید نمی شوند و حاضر نیستند آنرا به خاطر لذت آنی مواد مخدر، از دست بدهند. در یک دانش آموز خودباور، هویت به معنای واقعی شکل گرفته و بسیاری از استعدادها به منصفه ظهور رسیده است. لذا کمتر در دام انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد، گرفتار می گردند.
- یکی از مهمترین اهداف هر دانش آموز در مدرسه، پیشرفت تحصیلی همه جانبه است. که از طریق شرکت در آزمونهای مختلف، ارتقاء پایه، کسب مهارتهای فنی و حرفه ای و نهایتاً قبولی در کنکور دانشگاهها میسر می گردد. در این صورت دانش آموزان یا از لذت ناشی از یادگیری شادند و یا رسیدن به اهداف بالاتر و تصدیق اجتماعی. اما عوامل خانوادگی، فردی و آموزشی متعددی دست به دست هم داده باعث شکست تحصیلی دانش آموزان شده، تا آنان نتوانند به خواسته ها و آرزوهای تحصیلی خود برسند و دچار ناکامی شوند بنابراین دچار مشکلات روحی و روانی شده بطوری که خانواده ها و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می دهند که معمولاً دانش آموزان برای فرار از این مشکلات به مواد دخانی و مخدر روی می آورند. کمک تحصیلی و آموزشی راهی برای جلوگیری از افت تحصیلی و پیشگیری از اعتیاد است.
- خانه، مدرسه و جامعه سه ضلع اصلی فرآیند آموزش و یادگیری را تشکیل می دهند. همکاری این سه نهاد در تعلیم و تربیت نسل آینده لازم و ضروری است. اوقات هر دانش آموز به نسبت تقریباً مساوی بین آنها تقسیم شده است و هر گونه کارکرد مثبت یا منفی ایشان بر عملکرد و رفتار دانش آموزان تأثیر مستقیم دارد و کردارهای پایدار را تقویت می نمایند. خانه و اجتماع آئینه و انعکاس رفتارهای دانش آموزان و آنچه در مدرسه روی وی صورت گرفته است، می باشد. خانه و اجتماع نیز بسترساز و مهیا کننده محیط مطلوب برای دانش آموز جهت ورود سالم به محیطهای آموزشی است. عدم کنترل یا سستی یکی از این سه نهاد در جلوگیری از اعتیاد دانش آموزان، اقتدار دیگری را در پیشگیری تضعیف می نماید. هماهنگی خانه، مدرسه و جامعه پیشگیری از اعتیاد را در دانش آموزان بهبود می بخشد.
- ورزش موجب شادابی و طراوت روح و سلامت جسمی دانش آموزان می شود، مهارتهای جسمی آنان را افزایش داده و شکوفا می سازد و به آنان کمک می نماید تا در مسابقات مختلف شرکت و به شایستگی های خود برسند، و با پرکردن بخشی از اوقات فراغت، تمرکز فکری و جسمی خود را از سایر امور، بخصوص انحرافی مانند اعتیاد، برای پرداختن به آنها نداشته باشند. ورزش بخشی از انرژی های دانش آموزان را که از جوانی آنان سرچشمه می گیرد، را به صورت تحرک، همکاری و تعاون، در می آورد و به آنان کمک می کند تا روحیه رقابت سالم و مبارزه با بیماریهای روحی مانند افسردگی را یاد بگیرند و از گرایش به اعتیاد امتناع نمایند.
- دانش آموزان در مرحله ای از رشد شناختی و عاطفی قرار دارند که احساسات بر ادراک در آنها غلبه دارد، ماجراجو، اهل ریسک و کنجکاو هستند. لذا بدون توجه به آینده و عواقب کارها، دست به هر خطر می زنند تا به مسائل پوشیده بر آنان دست یابند. به ضرر و زیان مواد مخدر و سیگار زمانی پی می برند که آنرا تجربه نمایند. چون تجربه مواد مخدر، اعتیاد به دنبال می آورد لذا جبران و رهایی از آن برایشان گران تمام می شود. پس تا آنجا که ممکن است باید عملاً و بطور تجربی و ملموس، دانش آموزان را با عوارض اعتیاد آشنا کرد و آنان را راهنمایی و مشاوره نمود تا در دام اعتیاد اسیر نشوند.

منابع و مراجع

- [۱] اورنگ، جمیله، پژوهش درباره اعتیاد، انتشارات فرهنگ ارشاد، ۱۳۶۷.
- [۲] آشفته تهرانی، امیر، جامعه و جامعه شناسی، انتشارات گستر، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۰
- [۳] رعدی، منوچهر، راهنمایی پیشگیری از اعتیاد. چاپ اول انتشارات پیام نور، پاییز ۱۳۷۲
- [۴] محسنی، رضاعلی، نسبت امنیت اجتماعی با جرایم و آسیبهای اجتماعی، انتشارات ریحان چاپ اول، ۱۳۸۰
- [۵] دکتر کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۷۰.
- [۶] سید نژاد، سید صادق، جوان و خودباوری، نشریه دیدار آشنا، ۱۳۸۰.
- [۷] براندن، ناتانیل، خودباوری زنان، ترجمه مینو سلسله، انتشارات فرا، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۹
- [۸] نایک، آنیتا، اعتماد به نفس، ترجمه شقایق قند هاری، انتشارات پیدایش، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۴
- [۹] قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، انتشارات امیری، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۳
- [۱۰] شعاری نژاد، علی اکبر، فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۰
- [۱۱] اصغری، سیدمحمد، مسؤلیت همگانی در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات اطلاعات، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۸
- [۱۲] آقاپیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- [۱۳] میرعظیمی، سیدجعفر، دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات مؤلف، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۸
- [۱۴] مظلومی، رجبعلی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، نشر آفاق، تهران: چاپ اول، ۱۳۶۲
- [۱۵] حجتی، سید محمد باقر، آداب تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ اول، ۱۳۹۵
- [۱۶] ماحوزی، مهدی، علی و آیین رهبری، انتشارات پیک دانش، تهران: چاپ اول، ۱۳۶۳
- [۱۷] وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه شناسی، انتشارات بهینه، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۸
- [۱۸] مزینی، محمد مهدی، مجموعه مقالات چالشهای اجتماعی ایران، انتشارات کمیل تهران چاپ اول، ۱۳۸۷
- [۱۹] بیابانگرد، اسماعیل، راههای پیشگیری از افت تحصیلی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۵
- [۲۰] پونی، ژانت، کوین لودن، مهارت های زندگی و کار جوانان، ترجمه داود حیدری، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۸
- [۲۱] تافلر، آلوین، شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، انتشارات پیام نور، تهران: ۱۳۷۰
- [۲۲] برزینکا، ولفگانگ، نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه مهر آفاق بایبوردی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۱
- [۲۳] علاقه بند، علی، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، نشر روان، ۱۳۷۸
- [۲۴] جوانان و کنکور، نشریه مشاور خانواده مهر، ۱۳۹۵
- [۲۵] آذر، رسول، بازی و اهمیت آن در یادگیری، انتشارات احرار، تبریز: چاپ اول، ۱۳۷۳
- [۲۶] نگرشی به گذشته، حال و آینده، نشریه زیور ورزش مهر، جوانان و ورزش، شماره ۲، ۱۳۹۶
- [۲۷] جرج، محبوبه، تفریح جوانان، نشریه: حمایت، ۱۳۹۶
- [۲۸] جوادنیا، ارمغان، اوقات فراغت فرصتی برای تجربه اندوزی اجتماعی جوانان، نشریه عصر اقتصاد، ۱۳۹۵
- [۲۹] چالش های اوقات فراغت، نشریه: اقبال، ۱۳۹۴